

خلقت هفت آسمان

حامد فتوت احمدی*

چکیده

در مورد چپستی هفت آسمان و نحوه خلقتشان در شش روز نظریات زیادی وجود دارد. این مقاله در صدد است با استفاده از نظرات بزرگان مفسران نظریه نوبینی ارائه دهد که بر اساس آن «شش روز»، به سه دوران دو روزه تقسیم می شود و با استفاده از مفهوم «عرش» در قرآن به این نتیجه می رسیم که دوران کنونی در اثنای این شش روز است. سپس با استفاده از آیات دیگری این نتیجه می رسیم که انسان در دوره دوم، زندگی می کند و با پایان آن یعنی در انتهای چهار روز، نفخه صور اول دمیده می شود و در خلال دو روز سوم، از حالت کنونی تبدیل به هشت سیاره ای می شوند- هفت آسمان و زمین- هشت بهشت را تشکیل داد. و روز هفتم، انسان ها مجدداً بر روی آن ها قرار می گیرند. بسیاری از آیات مشکل که بدون این نظریه به سختی قابل فهم است را رمزگشایی می کند.

کلید واژه ها: هفت آسمان، خلقت شش روز، عرش، هشت بهشت، روز هفتم.

*کارشناس ارشد مهندسی هسته ای از دانشگاه امیرکبیر تهران

دو مفهوم قرآنی که معرکه آراء مفسران قرار گرفته و اختلاف نظر در آن باب بسیار فراوان است، معنای هفت آسمان و زمان بندی شش روزه آفرینش آسمانها و زمین است. در برخی آیات قرآن اشاره به خلقت آسمانها به عنوان آیت قدرت خداوند مطرح شده است و آسمانها به عنوان یکی از بزرگترین مخلوقات الهی، انسان را به یاد قدرت بی انتهای خالقش می اندازد. و البته صاحبان خرد و بصیرت این حقیقت مکشوف را هر لحظه می یابند و می دانند که آنها نیز همراه این کاروان، از آغازی شروع کرده اند و لا جرم به انجामी مشخص می پیوندند.^۱

در آیات قرآن (الروم، ۷/۳۰ و ۸) عدم تفکر در برنامه خلقت آسمانها و زمین را منتج به غفلت از جهان آخرت و روز قیامت می داند که در نهایت می تواند به کفر به لقای خداوند نیز برسد. یعنی تفکر در خلق آسمانها و زمین و هدفدار بودن حرکت آنها و مقدر بودن عمر آنها «أَجَلٌ مُّسَمًّى» (الروم، ۸/۳۰) از عوامل مهم یادآوری معاد و عدم غفلت از آن است.

در این مقاله سعی خواهیم کرد با تدبر و تفکر در آیات مربوطه، بیشتر به آن حقایق نزدیک شویم.

نظرات گوناگون پیرامون هفت آسمان

در مورد هفت آسمان نظرات گوناگونی بین دانشمندان اسلامی وجود دارد که بعضاً متناقض هستند.

مدتی پس از آن که قرآن کریم از آسمانهای هفت گانه سخن گفت، نظریه های کیهان شناسی یونانی وارد حوزه جهان اسلام شد و مسلمانان در دوره خلافت عباسیان با هیئت بطلمیوسی آشنا شدند و این جا بود که اشکالی پدید آمد: تعداد افلاک در هیئت بطلمیوسی نه عدد و تعداد آسمانهای ذکر شده در قرآن هفت عدد است! از این رو دانشمندان مسلمان در پی توجیه و انطباق یافته های علمی زمان خود با آیات قرآن برآمدند. و در این رابطه چند راه حل ارائه کردند.

۱. برخی مانند بوعلی سینا^۲ سعی کردند به نوعی بین کلام الهی و هیئت بطلمیوسی جمع کنند. یا مثل خواجه طوسی عدد افلاک را از نه، به هفت تقلیل دهد.^۳

۲. افراد زیر به نوعی سعی در تطبیق هفت آسمان با اجرام و سیارات منظومه شمسی داشتند: علامه شهرستانی؛^۴ شیخ قاسمی؛^۵ عبد القادر مغربی،^۶ یدالله بی آزار شیرازی.^۷
۳. برخی می‌گویند عدد هفت واقعی نیست و می‌تواند آسمان زیادتری باشد.^۸
۴. علامه طباطبائی: در ذیل آیات (السجدة، ۳۲ / ۵؛ فصلت، ۴۱ / ۱۲؛ المؤمنون، ۲۳ / ۱۷؛ نوح، ۷۱ / ۱۵) به دست می‌آید که ایشان در مورد واژه آسمان در قرآن، معنای دیگری را مطرح می‌کند و آسمان را امری معنوی می‌داند که امر الهی از آن طریق جریان می‌یابد.^۹
۵. برخی دیگر: مقصود طبقات مختلف اتمسفر است که بر زمین احاطه دارند.^{۱۰}
۶. برخی مفسران: همه این سیارات، منظومه‌ها، ستارگان و حتی کهکشان‌ها فقط آسمان اول قرآن هستند و شش آسمان دیگر خارج از دیدگاه بشری است.^{۱۱}
۷. محمد باقر بهبودی: قرآن در باره هفت آسمان، تنها به خانواده منظومه شمسی نظر دارد، نه سایر منظومه‌ها، چون سرنوشت کره زمین فقط با سرنوشت منظومه شمسی ارتباط دارد و در منظومه شمسی هفت آسمان همان هفت کره سیاره‌ای است که بر فراز کره زمین و فراز سر بشر در پرواز است نه آن سیاره‌های زیرین که در حکم زمین‌اند و از فراز سر نمی‌گذرند.^{۱۲}

آیا هفت به معنای ۷ است؟ منظور قرآن از هفت همان عدد هفت بین شش و هشت است: بسیار نگران کننده و ناراحت کننده است که برخی لغات و کلمات بسیار بدیهی را به معناهای خاص دور از ذهن می‌برند که این، ظلم به قرآن و کلام الهی است و می‌تواند مبنای بسیاری از انحرافات در تفسیر این کتاب زندگی باشد.

باید سوال کرد اگر خداوند می‌خواست بگوید واقعاً! «هفت آسمان» خلق می‌کند چه باید می‌گفت تا ما درست متوجه شویم؟ یکی از راه‌ها، تکرار و تاکید است که در این مورد از این روش نیز استفاده شده است. و حتی از قراین عددی نیز استفاده شده است: درست در هفت آیه از قرآن عبارت هفت آسمان ﴿سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾ و یا ﴿السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ﴾ آمده است که این قرینه عددی خود جای تعمق دارد. یعنی خداوند در هفت آیه در مورد هفت آسمان با استفاده از دو کلمه روشن و صریح ﴿سَبْعِ﴾ و ﴿سَمَاوَاتِ﴾ سخن می‌گوید. همچنین در سوره مؤمنون نیز به نوعی سخن از آسمان‌های هفتگانه است:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ﴾ (المؤمنون، ۲۳/۱۷)، اما تصریح نشده است، همچنان که در سوره نباء ﴿وَبَيْنَنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شَدَادًا﴾ (النبا، ۷۸/۱۳) به کنایه از آن یاد شده است. اگر قرآن می خواست از هفت عدد کثرت را منظور داشته باشد باید حداقل در یک جا این منظور را می رساند و به جای عدد هفت کلمه کثیر یا نظیر آن را استفاده می نمود، ظاهراً پشت این عدد، مفاهیمی است که باید با تدبیر در آیات، آن ها را دریافت.

متدولوژی ما برای فهم آیات مربوطه: در یک بحث کلی باید گفت هر تعریفی که بر اساس علم تجربی انجام دهیم و بخواهیم مفاهیم قرآنی را با تکیه بر آن تفسیر کنیم ممکن است دچار تغییر شود. از آنجا که علم بشر ناقص است و همواره تغییر می کند این گونه تعریف ها با تغییر علم تغییر می کند پس بهتر است تا آنجا که ممکن است قرآن، با آیات خودش تفسیر شود و بعد از آن با واقعیت های بیرونی تطبیق شود. در این مقاله متدولوژی برخورد با موضوع هفت آسمان و شش روزه بودن خلق آن ها بر اساس روش فوق خواهد بود.

در اینجا بعد از تلاش برای یافتن تعریف مناسب برای برخی کلمات کلیدی مانند: سماوات، عرش و یوم؛ روی کلمه کلیدی «عرش» متمرکز می شویم و زمان های متفاوت مستقر شدن خداوند بر عرش را خواهیم یافت. و نظریه جدیدی با تکیه بر زمان بندی ذکر شده برای استقرار بر عرش و محمل های عرش خلق می گردد. سپس به دنبال قرائن دیگری در بین آیات خواهیم گشت و اشکالات محتمل را بررسی و رفع خواهیم نمود.

موقعیت مکانی سماوات در قرآن:

سما در لغت به معنای بالا است و قرآن کریم هم آن را در همین معنا به کار برده است؛ و می فرماید: ﴿أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ (ابراهیم، ۱۴/۲۴). و نیز می فرماید: ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ (البقرة، ۲/۲۲). همان طور که در نظرات دانشمندان اسلامی دیده می شود به جز دو یا سه نفر از متاخرین، بقیه معتقدند که موقعیت مکانی سماوات به انسان ها نزدیک است و آنچنان دور از دسترس انسان ها نیست و اکثراً آن را در محدوده منظومه شمسی یا حتی در اطراف زمین می دانند.

مؤید این نظرات، آیات قرآن است که به نزدیک و قابل لمس بودن آسمان ها برای

انسان‌ها تاکید دارد. به آیات زیر نگاه کنید: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الجاثية، ۱۳/۴۵).
 ﴿الْم تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا﴾ ﴿وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا﴾ (نوح، ۱۶/۷۱).

و آیه دیگری که هیچ جای توجیهی نمی گذارد: ﴿وَكَايُنُ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ﴾ (یوسف، ۱۰۵/۱۲)؛ (و چه بسیار نشانه‌ای - از خدا - در آسمان‌ها و زمین که آن‌ها از کنارش می‌گذرند، و از آن رویگردانند).

حال هفت آسمان چیستند؟ تا چندی پیش قابل قبول‌ترین نظریه در مورد آسمان‌ها و هفت آسمان نظریه هفت آسمان استاد بهبودی بود که کرات منظومه شمسی که در بالای مدار زمین قرار گرفته اند را به علاوه آستروئیدها به عنوان هفت آسمان در نظر گرفته بودند. به دلیل تغییر تعاریف در مورد سیارات منظومه شمسی و یافته‌های جدید دانشمندان نظریه استاد محمد باقر بهبودی به هم ریخت. اما این نظریه به لحاظ تطبیق با آیات هنوز بهترین نظر است. و نظریه جدید این مقاله، تکمیل نظریه ایشان خواهد بود.

معنای شش روز و جستجو برای روز هفتم:

به هفت آیه زیر که در آن‌ها خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز است، دقت کنید:
 ۱. ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (الأعراف، ۵۴/۷).

۲. ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَيْعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ (یونس، ۳/۱۰).

۳. ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنَّ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ (هود، ۷/۱۱).

۴. ﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا﴾ (الفرقان، ۵۹/۲۵).

۵. ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ

دُونِهِ مِنْ وَلِيِّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ (السجدة، ۴/۳۲).

۶. ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ﴾ (ق، ۳۸/۵۰).

۷. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (الحديد، ۴/۵۷). وقتی به آیات هفتگانه خلقت عالم در شش روز نگاه می‌کنیم این سوال پیش می‌آید که چرا خداوند هفت بار این آیه را متشابهاً تکرار می‌کند. آیا «يَوْمَ الْقِيَامَةِ» هفتمین یوم یا یوم الآخر نیست؟

در همه آیات فوق، با مکث کوتاهی یا بلافاصله سخن از یوم دیگری است که با شش یوم دیگر متفاوت است و ظاهراً تفاوت روز هفتم آنقدر با روزهای دیگر زیاد است که صراحتاً در قرآن به این روز روز هفتم نگفته اند و اسامی دیگری برای "یوم" انتخاب شده است. شاید بتوانیم در قبل و بعد آیات فوق نشانه‌هایی از روز هفتم بیابیم. ضمناً کاملاً مشخص است که زمان افعال مثل: «خَلَقَ» و «لَقَدْ خَلَقْنَا» ماضی می‌باشد. پس برای فهمیدن زمانبندی خلقت آسمان‌ها باید زمان افعال را به دقت بررسی کرد. در سطور زیر قبل و بعد از هفت آیه فوق را برای یافتن نشانه‌های روز هفتم با نگاهی به زمان افعال مورد استفاده در روز قیامت و روزهای قبل از آن جستجو می‌کنیم: در آیه اول از آیات هفتگانه فوق، فرق بین «يَوْمَ الْقِيَامَةِ» با شش روز قبل از آن به خوبی روشن می‌گردد. و در آیات قبل از آیه ۵۴، از روز قیامت صحبت شده و از آن تعبیر به «الْيَوْمَ» می‌شود و توصیفات روز قیامت با زمان مضارع بیان می‌شود و تعبیراتی که به دنیا باز می‌گردد با زمان ماضی می‌آیند. ظاهراً می‌توان برداشت کرد که روز قیامت بعد از این شش روز است. و شاید روز هفتم باشد.

بعد از آیه ۵۴ که خلقت شش روزه را بیان می‌کند به فاصله ۵ آیه دوباره به بحث قیامت باز می‌گردد و می‌فرماید: «...إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ (الأعراف، ۵۹/۷). در سوره یونس، بلافاصله بعد از آیه ۳ که سخن از شش روز خلقت است می‌فرماید: «إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا﴾ (یونس، ۴/۱۰)، در این آیه شاید می‌خواهد تلویحاً ما را متوجه کند که بعد از این شش روز روزی برای جزا و پاداش انسان‌ها خواهد بود و آن را می‌توانیم روز هفتم بنامیم. بلافاصله بعد از آیه ۷ از سوره یونس که باز هم سخن از شش روز است و یکی از آیات هفتگانه است، خداوند از روز هفتم سخن می‌گوید.

در آیه ۵۹ سوره فرقان مکث کمی طولانی تر است اما مطلب به هم پیوسته ای در آیه بعدی ذکر می گردد و سپس در آیه دهم می فرماید: ﴿يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا﴾ (الفرقان، ۶۹/۲۵).

در آیه ۴ سوره سجده که درباره خلقت آسمان ها و زمین و زمان آن است در چند آیه به یک موضوع مرتبط ، یعنی چگونگی خلقت آدم و سیر او در این شش روزه می پردازد و به روز هفتم می رسد و در آیه ۱۴ می فرماید: ﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (السجدة، ۱۴/۳۲).

در سوره ق به فاصله ۲ آیه به موضوع "یوم" دیگری می پردازد که با این شش روز متفاوت است. و در آن آیات به خوبی می توان حس کرد که ﴿يَوْمَ الْخُرُوجِ﴾ بلافاصله پس از روز ششم خلقت خواهد آمد. و نزدیکی آن را با کلمه ﴿وَاسْتَمِعْ﴾ در آیه ۴۱ القامی کند.

و بالاخره در آیه چهارم سوره حدید می بینیم که پس از ۷ آیه با کمی مکث در آیه ۱۲ چنین می فرماید: ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (الحدید، ۱۲/۵۷).

همچنین ضمن یادآوری آن روز می فرماید که ظاهراً روز دیگری بعد از این روز فعلاً متصور نیست و آن ها در شرایطی که دارند خلود خواهند داشت و در جای دیگر این خلود را محدود می کند تا وقتی که آسمان ها و زمین برقرار هستند یعنی: در روز هفتم یا روز قیامت، بساط هفت آسمان و زمین برچیده نشده است. یعنی: زندگانی ما در زمان و مکان به دو هفت می رسد: هفت آسمان و هفت روز.

تعریف عرش و انطباق آن با آیات

باز هم در این ۷ آیه که خلقت شش روزه را بیان کرده اند دقت کنید در شش آیه از هفت آیه بلافاصله بعد از خلقت شش روزه به عرش اشاره می کند. در پنج آیه از این شش آیه ، بلافاصله پس از اشاره به خلقت آسمان ها و زمین می فرماید: ﴿ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ﴾. و در یک آیه می فرماید: ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾. فهم معنای کلمه عرش می تواند کلید مهمی در فهم این آیات باشد.

معنای عرش: قاموس قرآن: عرش به معنای تخت حکومت است. ﴿وَرَفَعَ أَبْوَابَهُ عَلَى الْعَرْشِ﴾ (یوسف، ۱۰۰/۱۲). ﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ (النمل،

﴿أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ (النمل، ۲۷/۳۸). در همه این آیات مراد از آن، تخت حکومت و سریر سلطنت است. معنای اصل آن رفع است.^{۱۲} راغب گوید: عرش در اصل خانه سقف دار است جمع آن عروش است ...

محل جلوس سلطان به اعتبار علو عرش نامیده شده. طبرسی در ذیل آیه ۵۴ اعراف می گوید: عرش به معنای سریر است که فرموده: ﴿وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ و به معنای حکومت است گویند «ثَلَّ عَرْشَهُ» حکومت او زایل شد و به معنای سقف که فرموده: ﴿فَهِیَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا﴾. عبارت صحاح چنین است: العرش سریر الملک و عرش البیت سقفه و قولهم ثَلَّ عَرْشَهُ ای وها امره و ذهب عَرَّه.

همچنین در روایات عرش بر قلب انبیاء و اوصیا نیز اطلاق می گردد. چنانچه روایت شده است دل مؤمن عرش رحمان است، و هم در حدیث قدسی است که: «فرا نگیرد مرا آسمانم و نه زمینم، و فرا گیرم دل بنده مؤمنم».^{۱۴}

تعریف کلمه عرش و مفهوم آن در مورد خداوند: اگر فکر کنیم که عرش، تختی است که خداوند بر آن نشسته و سلطنت می کند خلاف اعتقاد لامکان بودن اوست. یعنی: عرش در مورد خداوند به مقتضای حضور یا عدم حضور خداوند در جایی نیست بلکه به مقتضای حضور دیگران در مقابل اوست که عرش معنا پیدا می کند. زیرا حضور خداوند در همه جا یکسان است و فرقی نمی کند اما به واسطه حضور بندگان یا آیات خداوند در برخی مکانها، آن مکانها به خداوند نسبت پیدا می کند. به عنوان مثال کعبه را خانه خدا یا «بیت الله الحرام» می نامیم. برای چنین مکان های مقدسی، این القاب به واسطه چند دلیل است که هر کدام نباشند این لقب معنا نخواهد داشت: اولاً حضور آیات خداوند و هم زمان با آن حضور مخلوقات ذی شعوری که این آیات را ادراک کنند و به واسطه آن آیات به عبادت خداوند پردازند. همچنین است مساجد و معبدی که به نوعی به خداوند نسبت داده می شوند. و البته شرط دیگر نیز، نام گذاری آن مکان خاص توسط خود حضرت باری تعالی است.

حال به کلمه عرش باز می گردیم، چرا برخی مکان های خاص در دربار سلاطین «عرش» لقب می گیرد؟ ادعای ما این است که به مقتضای حضور دیگران در مقابل سلطان است که تخت خاصی عرش نامیده می شود نه به مقتضای جلوس او. زیرا در بسیاری جاهاست که پادشاه جلوس می کند مانند اتاق یا میز مطالعه و یا اتاق کار یا

تخت خواب خصوصی سلطان و ما آن را عرش نمی دانیم زیرا در مقابل دیگران قرار ندارد اما آن تختی عرش نامیده می شود که پادشاه در مقابل دیگران بر آن جلوس می کند و به طور محسوس و مشخصی مسلط و بالاتر از آن ها است و فرّ و شکوه پادشاهی را به نمایش می گذارد. حتی همین مکان هم هنگامی عرش است که گروهی باشند؛ که رعایای آن سلطان نامیده شوند و سلطان برای شرفیابی رعایا، محلی را انتخاب کند و رعایا را به حضور بپذیرد. هرکدام از شرایط فوق نباشد عرشی وجود نخواهد داشت.

با دو مقدمه فوق می توان گفت که عرش خداوند نیز آن جایی است که خداوند در مقابل موجودات زنده و ذی شعور مورد معرفت و شناخت و ستایش قرار می گیرد. یعنی عرش مکانی است که خداوند در آن جا فرّ و شکوه الوهیت را در معرض ادراک مخلوقات ذی شعور خود قرار می دهد. البته ممکن است خداوند عرش های دیگری برای مخلوقات غیر ذی شعور خود داشته باشد که آن ها نیز در آن مکان ها در محضرا و قرار بگیرند و شاید هم خداوند به آن مکان ها عرش اطلاق نکند. اما در این جا سخن از عرشی است که مختص موجودات زنده و ذی شعوری است که از آب آفریده می شوند یا موجودیت آن ها وابسته به آب است. آن عرش خداوند که در ارتباط با انسان ها قرار دارد در این دنیا روی آب است زیرا همه چیز با آب است که زنده است. (الانبیاء، ۳۰/۲۱) و از آب آفریده شده است (النور، ۲۴/۴۵) و تنها در روی زمین یا کراتی که آب هست عرش می تواند قرار گیرد. شاید گفته شود که بسیاری از موجودات، خداوند را تسبیح می کنند پس حضور آن ها هم می تواند عرش باشد اما آیه زیر نشان می دهد که دلیل وجود موت و حیات همان دلیل بودن عرش او بر ماء است. دو آیه: (الملک، ۲/۶۷ و یونس، ۷/۱۰) را که در ذیل آورده شده اند مقایسه کنید قسمت هایی با هم شباهت دارند و با لام تعلیل شروع شده اند و علت و غایت قسمت های اول هستند. پس قسمت اول این دو آیه نیز باید سخن مشابهی داشته باشند. از این دو آیه و این شباهت ها استفاده می کنیم که : خلقت آسمان ها و زمین در طول شش روز و ایجاد حیات و موت در آن ها و قرار دادن عرش در مکان هایی که آب وجود دارد و به تبع آن حیات وجود دارد همگی در یک راستا است. قرار دادن عرش بر آب نسبت مشخصی با انسان هایی که حیات و مرگ را بر محمل آسمان ها و زمین تجربه می کنند باید داشته باشد.

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَنِ كُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ (الملک، ۲/۶۷).

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّا لَنَعْلَمُ بِمَا نَحْنُ بِعَبُدُوكُمْ فَلْيَبَيِّنُوا لَنَا مَا نَحْنُ بِعَابِدِينَ﴾ (هود، ۷/۱۱)

ما این نسبت را این گونه تعریف می کنیم تا با آیات مطابق باشد. محضر موجودات زنده و ذی شعور محل عرش است. و این موجودات در نظام فعلی آفرینش صرفاً می توانند در مکان هایی که آب هست خلق شوند و ادامه حیات دهند.

وقتی خداوند می فرماید: «ما همه چیز را از آب زنده قرار دادیم». منظور، همین موجودات زنده هستند که برای زنده شدن و خلق شدن به آب نیاز دارند.^{۱۵}

به معنای دیگر ستارگان و کوه ها و... گرچه عبد خدا هستند اما «حی» نیستند. پس محضر آن ها بدون حضور انسان ها عرش نیست زیرا برای خلق آن ها به آب نیازی نیست و اگر محضر آن ها عرش باشد با این آیه اختلاف دارد که: ﴿...وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ...﴾ و اصولاً آن ها برای امتحان دادن خلق نشده اند تا عبارت ﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ در مورد آن ها گفته شود. گرچه آن ها می توانند در عرش مربوط به انسان ها به عنوان ماموان الهی حضور داشته باشند.

در دو آیه زیر، ابتدای آیات به لحاظ معنا شبیه هم هستند و قسمت بعدی دو زمان قرار گرفتن بر عرش را نشان می دهد در آیه اول محل یا محمل عرش در دوره شش روزه یا در بخشی از آن را نشان می دهد که در آن زمان عرش خداوند بر روی آب قرار دارد و در آیه دوم قرار گرفتن بر عرش پس از شش روز را بیان می کند.

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّا لَنَعْلَمُ بِمَا نَحْنُ بِعَبُدُوكُمْ فَلْيَبَيِّنُوا لَنَا مَا نَحْنُ بِعَابِدِينَ﴾ (هود، ۷/۱۱)

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ (السجدة، ۴/۳۲).

مقایسه آیه ۴ سوره سجده با آیه ۵۱ انعام زمان قرار گرفتن بر عرش که در سوره سجده مورد نظر است را بیشتر به قرینه مشخص می کند: ﴿وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُخْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (الأنعام، ۵۱/۶)

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ (السجدة، ۴/۳۲). در هر دو آیه قسمت های انتهایی شبیه هم هستند پس می توان گفت که قسمت های اول نیز باید شبیه هم باشند. در آیه ۴

سوره سجده ﴿مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ در مورد روز حشر است پس استوی بر عرش در ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾ نیز باید هم زمان با آن باشد. یعنی خداوند دوبار بر عرش می نشیند یکبار زمانی که عرش بر روی آب است و جانوران خلق شده از آب رعایای او هستند. و یکبار روز قیامت که بار دیگر آن موجودات در بارگاه او شرفیاب حضور می شوند. و زمان و مکان این دو عرش با هم متفاوت است.

قرینه دیگری برای اختلاف زمانی این دو قرارگیری بر عرش این است که در آیه ۷ سوره هود قرار گرفتن عرش بر آب را برای آزمون بندگان زنده و ذی شعور می داند: ﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ اما در آیه ۴ سجده می فرماید در بار دوم که خداوند بر عرش می نشیند روز حساب است و هیچ ولی و شفيعی کمک کار انسان ها نخواهد بود.

در آیه زیر هم (الرعد، ۲/۱۳) اشاره به بار اول قرار گرفتن «استوی» بر عرش است زیرا این قرار گرفتن پس از تکمیل اولیه خلق آسمان ها و زمین است و در همین زمانی است که ما در آن زندگی می کنیم و خورشید و ماه برای ما مسخر شده اند و به سوی اجلشان که همان نفخ صور اول است در حرکت هستند^{۱۶} و تدبیر امور و تفصیل آیات هم برای آزمایش انسان است. اگر قسمت دوم این آیه را با آیه ۲ سوره رعد مقایسه کنیم می توانیم مشابهت قسمت دوم آیات را با هم بینیم. مشاهده می شود که تعبیر ﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾ (الرعد، ۲/۱۳) معادل ﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ در آیه ۷ سوره هود است و عبارت ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾ نشان می دهد که این قرار گرفتن قبل از پایان ۶ روزه بوده است و در آیه ۲ سوره رعد می بینیم که در زمانی است که ما در زمین بوده ایم. پس تا اینجا دیدیم که یکی از قرار گرفتن ها «استوی» بعد از پایان ۶ روز است و یکی قبل از پایان شش روز و اگر خلقت آسمان ها و زمین را آغاز شش روز بگیریم یعنی فرض کنیم که قبل از آغاز شش روز، آسمان ها و زمین و انسان ها نبوده اند که مورد آزمایش قرار بگیرند به این نتیجه می رسیم که قرار گرفتن «استوی» اول در مدت ۶ روزه خلقت بوده است و نه قبل یا بعد از آن، و چون هم زمان با حضور ما در زمین است پس حضور ما در زمین هم در مدت ۶ روزه خلق آسمان ها و زمین است^{۱۷} و نه بعد از آن. این نتیجه مهمی است که از راه های دیگری هم می توان به آن رسید که در تفسیر آیات ۹-۱۲ فصلت هم به آن خواهیم پرداخت. قرار گرفتن بر عرش در هر دو زمان هم با تعبیر «استوی» آورده می شود که این طور می نماید که قبلاً بر عرش نبوده و اکنون بر آن قرار گرفته است: قبل از قرار گرفتن «استوی»

دوم بر عرش با ید وقفه ای در قرار گرفتن خداوند بر عرش رخ داده باشد زیرا وقتی می گویند قرار گرفت که قبل از آن قرار نگرفته باشد. پس بین قرار گرفتن «اَسْتَوَى» اول و دوم فاصله ای وجود دارد و این وقفه در زمانی است که هنوز شش روز تمام نشده است زیرا قرار گرفتن «اَسْتَوَى» یکبار در اثنای شش روز خلقت و بار دیگر پس از پایان شش روز و در روز هفتم است - چنان که در آیه ۴ سوره سجده دیدیم -.

خداوند در بار اول بر عرش قرار می گیرد و خود را به موجودات زنده و مختار عرضه می کند، آن‌ها را می آزماید تا مشخص گردد که چه کسی از این حضور پروا می کند و اعمال شایسته انجام می دهد اما بار دوم خداوند بر عرش قرار می گیرد تا هدف خلقت را به ظهور برساند و آن‌هایی که ادب حضور را در دوره امتحان در محضر عرش الهی به جای نیآورده اند و به جای تسبیح حق به پرستش و عبادت دیگران پرداخته اند را به سزای این بی ادبی برساند و در آن روز آنانی که "من دون الله" مورد عبادت بوده اند نمی توانند ولی و شفیع عباد خود باشند.

محمل عرش در دنیا و آخرت: دو محمل و دو زمان متفاوت برای عرش در قرآن مطرح شده است که یکی بر روی آب است و دیگری در قیامت است. چون وجود عرش به وجود عباد نیاز دارد با تحول و تغییر در عباد خداوند، محمل عرش نیز تغییر می کند. در حالی که در خداوند هیچ تغییری راه ندارد. پس این عرشی که با زمان، مکان و محمل آن هم تغییر می کند نمی تواند مثلاً محل فرماندهی یا ملاء اعلی یا چیز دیگری در ارتباط با خداوند باشد. بلکه مکان و زمان آن به مکان و زمان عبادی بستگی دارد که با وجود آن‌ها این پادشاهی و مملکت تشکیل می شود و عرش در آن معنا پیدا می کند. اما محمل عرش کجاست؟ در این عالم، همان طور که گفتیم هر جا در حال و آینده آب باشد انسان‌ها می توانند زندگی کنند پس همان جا محمل عرش اوست. اما در قیامت چگونه خواهد بود؟ به آیه زیر دقت کنید: ﴿فِيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ * وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ * وَالْمَلِكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ﴾ (الحاقة، ۶۹/۱۵-۱۷). این آیه در مورد روز قیامت است هنگامی که مردگان زنده می شوند، عرش خداوند بر هشت محمل قرار می گیرد. و ما می خواهیم بگوییم این "هشت"؛ هفت آسمان به علاوه زمین است. به آیه زیر دقت کنید: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ (السجدة ۳۲/۴).

در آیات بالا در ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾ همان زمانی را نشان می دهد که عبارت ﴿يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ﴾ نشان می دهد و ادعا می کنیم که این ﴿ثَمَانِيَةَ﴾ هم همان ﴿السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ در آیه ۴ سوره سجده هستند و این ها همان هشت تایی هستند که در آیه زیر شمرده شده اند یعنی ۷ آسمان به علاوه ۱ زمین: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ اما دلیل ما برای این مطلب چیست؟ برای پاسخ به این سوال باید معنای هفت آسمان را بدانیم و برای دانستن معنای هفت آسمان ابتدا لازم است به زمان بندی و نحوه ساخت آن نگاه می کنیم.

هفت آسمان چگونه و چه وقت تشکیل می شوند؟

زمان بندی تشکیل هفت آسمان در آیات زیر بیان شده است: ﴿قُلْ أَنتُمْ كُنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ * ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ * فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (فصلت، ۹/۴۱-۱۲)

در توضیح و تفسیر آیات فوق، ما ابتدا برداشتی را که می تواند بدون تناقض با آیات دیگر و مشاهدات قطعی انسان ها باشد را بیان می کنیم سپس قراین درستی این برداشت را با تطبیق آن با سایر آیات و قطعیات علمی در بوته آزمایش می گذاریم. و پس از آن هم باید ببینیم آیا این برداشت و تفسیر می تواند سایر حقایق و مسائل مطرح شده در این ارتباط را توضیح دهد یا خیر. در این مسیر باید مراقب باشیم که اگر برداشت ما قادر به توضیح آیه ای نباشد باید در تفسیرمان بازنگری کنیم.

تفسیر آیات ۹-۱۲ فصلت در مورد زمان بندی خلقت در شش روز: در تفسیر این آیات و تفسیر خلقت شش روزه نظریات مختلفی وجود دارد^{۱۸} که نوعاً مفسرین برای توجیه آن ها با مشکل مواجهند. اغلب تفاسیر معتقدند که خلقت شش روزه آسمان ها و زمین در گذشته بوده است و به پایان رسیده است به همین دلیل با تناقضاتی در بیان آیات مواجه می شوند در آیه ۱۱ به روشنی پرداختن به خلقت آسمان ها را بعد از تکمیل زمین و جزئیات آن و حتی ایجاد حیات در روی زمین می داند. و این تقدم و تأخر در آیه ۲۹ سوره بقره نیز تاکید شده است تا کسی نگوید که این «ثم» از باب تأخر بیانی است و

نه تأخر زمانی .^{۱۹} ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (البقرة، ۲/۲۹)؛ «او خدایی است که همه آنچه را [از نعمتها] در زمین وجود دارد، برای شما آفرید سپس به آسمان پرداخت و آن‌ها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود و او به هر چیز آگاه است».

اما در عمل وقتی به آسمان‌ها می‌نگریم می‌بینیم که اصل تغییرات آن‌ها قبل از دوران حیات در زمین اتفاق افتاده است و اصولاً حیات در زمین به نسبت عمر سیارات و ستارگان بسیار جوان است. دانشمندان عمر جهان را حدود ۱۰-۱۵ میلیارد سال می‌دانند و عمر منظومه شمسی و زمین را در حدود ۴٫۵ میلیارد سال تخمین می‌زنند. یعنی ۴٫۵ میلیارد سال پیش منظومه شمسی تشکیل شده است. در صورتی که بر اساس اطلاعات زیست‌شناسی اولین موجود مهره‌دار که در خشکی توانست زندگی کند ۳۸۰ میلیون سال پیش زندگی می‌کرده است و اولین انسان فقط ۲ میلیون سال پیش به وجود آمده است. از طرفی براساس آیه ۲۹ سوره بقره وقتی پرداختن به آسمان‌ها می‌تواند آغاز شود که حداقل انسان‌های اولیه در زمین می‌توانستند زندگی کنند و همه چیز برای زندگی آن‌ها فراهم بوده است. که این امر بین ۳۸۰ تا ۲ میلیون سال پیش رخ داده است. اما تحولات آسمان‌ها و منظومه شمسی در این مدت در مقایسه با تحولات قبل از آن ناچیز بوده است. و اکثر تحولات آن‌ها در ابتدای تشکیل منظومه شمسی و در ۱ میلیارد سال اول بوده است و بعد از آن پایدار و با تغییرات بطنی بوده است. پس نمی‌توان گفت که حرکت به سوی آسمان، تغییر ساختار آن‌ها و تبدیل آن‌ها به هفت آسمان در این ۳۵۰ میلیون سال اخیر اتفاق افتاده است. و اما می‌توان فرض کرد که آن شش روز هنوز پایان نیافته است و هم‌چنان ادامه دارد آنگاه تفسیر آیات چنین می‌شود: در این آیات دوره شش‌روزه^{۲۰} خلقت آسمان‌ها و زمین به سه دوره دو روزه تقسیم شده است که به صورت زیر است:

همان‌طور که در شکل زیر می‌بینیم دو «یوم» اول خلقت، همان دوره شروع خلقت اولیه آسمان‌ها و زمین و منظومه شمسی است که در آن دوره، سیارات منظومه و زمین همه با هم تشکیل شده‌اند. همان‌طور که علم هم تایید می‌کند سیارات و اجرام منظومه شمسی همگی با هم یا در یک دوره زمانی محدود ایجاد شده‌اند و در طول زمان شروع به تغییر و تحول داخلی کردند که حدود ۴٫۵ میلیارد سال پیش بوده است.

اما از آنجا که سایر سیارات در آفرینش به مقصد لازم در این دو روز نمی رسند و تطور آن‌ها برای رسیدن به مقصود ادامه دارد آیه شریفه در دوروز اول و حتی در دوروز دوم فقط از زمین نام می برد زیرا پس از دوروز اول، خلقت زمین، کامل می شود و آماده برپایی حیات می شود. در دوروز دوم، زمین، دوران جدیدی را آغاز می کند. حیات موجودات مختلف در زمین شروع می شود این زمان از ۱۰۰۰-۵۰۰ میلیون سال پیش شروع می شود و به حیات انسان‌ها که متکامل‌ترین نوع حیات در روی زمین است منتهی می شود. این دوران نیز دوروز است که با دوروز اول جمعاً ۴ روز می شود. در این زمان تمرکز بر روی تحولات زمین است؛ آسمان‌ها هنوز دوران طفولیت را می گذرانند. در انتهای آیه ۱۰، که چهار روز از خلقت را بیان کرده است یک جمله کوتاه بیان شده است: ﴿سَوَاءٌ لِّلسَّائِلِينَ﴾. معنای این جمله می تواند این باشد که روز چهارم یا دوروزه دوم همزمان با کسانی هستند که در رابطه با زمان قیامت و نحوه رسیدن به آن از پیامبر سوال های همراه با استبعاد می کردند. یعنی: هم اکنون ما در دوره دوروزه دوم قرار داریم. شاید سائیلین در آیه فوق همان فاعلین "يَسْأَلُونَكَ" در آیه زیر باشند.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الأعراف، ۱۸۷/۷) و ﴿سَوَاءٌ لِّلسَّائِلِينَ﴾ می خواهد همزمانی دوره کنونی را با انسان‌های فعلی نشان دهد.

و اما دوروزه سوم: این دوران از وقتی آغاز می گردد که برنامه عالم، به سوی تمرکز خلقت و تدبیر امور آسمان‌ها برمی گردد و تکمیل خلقت سایر سیاره‌های منظومه آغاز می گردد و خداوند آن‌ها را به صورت هفت آسمان درمی آورد که تمامی آن‌ها قابل سکونت خواهند بود و همان بهشت‌هایی هستند که خداوند به انسان‌ها وعده داده است. تا قبل از این دوروز سماوات، بوده اند اما هنوز به صورت هفت آسمان شکل نگرفته بودند و به صورت گازی شکل هستند و در طی این دوروز شکل جدیدی به خود می گیرند.

پس براساس این تئوری، اکنون هنوز هفت آسمان به شکل نهایی خود ساخته نشده است و در حال حاضر که ما بین روز دوم تا چهارم هستیم گرچه آسمان‌ها وجود دارند اما هنوز در حال تحول و تغییر به سوی نظم جدیدی هستند تا از همین مواد و سیاره‌ها، آسمان‌های هفتگانه ساخته شود. البته این تغییر و تحول اکنون بسیار کند

است و قرار بر این است که پس از نفخ صور اول تمرکز خلقت بر روی آسمان‌ها قرار گیرد تا آن‌ها را به آنجایی که غایت و نهایت آن‌هاست برساند. تا این هفت آسمان و زمین محمل عرش الهی شوند. و در روز پنجم و ششم خداوند به سوی آن‌ها توجهی می‌کند تا از آن‌ها عرش جدیدی بسازد. و سموات سبع و زمین تغییر یافته به تدریج به هشت محمل عرش دوم تبدیل می‌شوند. و این تحولات پس از آن رخ می‌دهد که: ﴿خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ یعنی: خلقت و زندگی انسان‌ها در زمین به نهایت خود رسیده است. در نظر اول این طور می‌نماید که زمان بندی که قرآن در آیات ۹-۱۲ فصلت بیان می‌کند با ظاهر آیه زیر در تناقض است: ﴿أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا * رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا * وَأَغَطَّشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا * وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ (النازعات، ۲۷-۳۰).

در آیه فوق ﴿وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾، به صراحت، آفرینش زمین را بعد از آفرینش آسمان‌ها قرار می‌دهد که این به ظاهر با آیات ۱۲-۱۱ سوره فصلت و ۲۹ سوره بقره متضاد به نظر می‌رسد.

در حالی که این زمان بندی هیچ تناقضی با آیات فوق پیدا نمی‌کند بلکه می‌توان گفت تنها تفسیری است که بدون تغییر تعریف آسمان‌ها در آیات مختلف یا استفاده از تعبیر و تاویلات نامرتبط می‌تواند با آیات تطبیق کند.

تشکیل هفت آسمان

خداوند می‌فرماید: در روز قیامت، آسمان‌ها و زمین به غیر آن چیزی که اکنون هستند تبدیل می‌شوند (ابراهیم، ۱۴/۴۸) یعنی در روز قیامت، ظاهر آسمان‌ها و زمین عوض می‌شوند. در آیات دیگر نوع تغییر زمین ذکر شده است و اشاره شده است که زمین برای حشر و نشر و ایجاد محکمه بزرگ روز قیامت به چه شکل در خواهد آمد؛ اما آسمان‌ها چه طور؟ در مورد تغییرات آسمان‌ها نیز آیاتی وجود دارد از جمله: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ (الأنبياء، ۲۱/۱۰۴) در اینجا «يَوْمَ» به قرینه آیه زیر، روزهای قبل از روز حشر یعنی روزهای پنجم و ششم هستند زیرا در روز قیامت به حکم آیه زیر، زمین تغییرات لازم را دیده است و آسمان‌ها جمع شده در اطراف زمین هستند و بعد از انفجارات و تحولات سنگین، با دست قدرت خداوند در مدارات جدید خود قرار گرفته اند و همه چیز برای حیات مجدد در آن‌ها آرام

و قرار گرفته است زیرا استقرار و عدم تغییر، برای ادامه حیات ضروری است. یعنی: «يَوْمَ نَطْوِي» در آیه فوق باید قبل از «يَوْمَ مَطْوِيَّاتٍ» یا همان «يَوْمَ الْقِيَامَةِ» در آیه زیر باشد: ﴿وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ﴾ (الزمر، ۳۹/۶۷) این دو، شبیه «اِسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ» و «اِسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» است که قبلاً توضیح دادیم. در آیات بالا به کلمات «طَيَّ»، «مَطْوِيَّاتٌ» و «نَطْوِي» که همه هم ریشه هستند دقت کنید. قاموس در ذیل ریشه طَی می گوید: «طَيَّ: بِيَجِدَانِ. «طَوَى الصَّحِيفَةَ طَيًّا: نَقِيضَ نَشْرَهَا». «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجْلِ لِلْكَتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْهَا بِمَا كُنَّا فَاعِلِينَ» (الأنبياء، ۲۱/۱۰۴). روزی آسمان را می پیچیم همان طور که طومار نوشته ها را می پیچند و خلقت را مانند اول از سر می گیریم این وعده بر ما است و حتما خواهیم کرد.^{۲۱}

در روز قیامت آسمان ها مانند طومار پیچیده شده و به هم نزدیک شده اند و تقریباً همگی در یک فاصله از مرکز قرار گرفته اند. همان طور که در طومار فاصله یک حلقه از حلقه دیگر فقط به اندازه ضخامت کاغذ است فاصله مدارات سیارات یا آسمان های هفتگانه بسیار به هم نزدیک خواهد بود. در ادامه آیه ۱۰۴ انبیا می فرماید: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ﴾ همان طور که در دو روز اول خلقت همه چیز برای آغاز حیات مهیا شد در دو روز آخر نیز آسمان ها و زمین برای زندگی مجدد انسان ها در آن ها آماده می شوند. ضمیر «ه» در «نُعِيدُهُ» به شروع خلق بر می گردد؛ یعنی: همان طور که در ابتدا، خلقت را ایجاد کردیم و پس از آن زمستان رسید و همه آفرینش را خاک کرد حال دوباره بهار می شود و حیات سر از خاک بر خواهد داشت. اما این بار مقدمات حیات فقط روی زمین شکل نمی گیرد بلکه آسمان ها نیز حیات را روی خود تجربه می کنند زیرا آن ها نزدیک به زمین آورده شده اند و در حال آرامش و استقرار توانسته اند خصوصیات لازم برای تشکیل حیات را پیدا کنند. آنها هم حیاتی بسیار مترقی و غنی: ﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾.

این تئوری ادعایی ما است که البته خود این آیات و نحوه تفسیر آن ها قرینه ای برای بحث قبلی و زمان بندی تشکیل آسمان ها هفت گانه و زمین نیز هست. حال به قراین قرآنی بیشتری می پردازیم:

قرینه اول: به این آیه دقت کنید: ﴿وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ* وَإِذَا الْجَبَلِيمُ سُعِرَتْ* وَإِذَا الْجَبْتَةُ أَرُلْفَتْ﴾ (التکویر، ۸۱/۱۳). آیات بالا زمانی را نشان می دهد که آسمان ها در حال بازسازی

هستند یعنی: دو روزه سوم. زیرا در آن هنگام است که آسمان پوست می اندازد^{۲۲} و یا از آن‌ها پرده برداری می‌شود و ناظران، حقیقت آسمان‌های خالی و دودی شکل را که حالا کم‌کم پر از بهشت‌های برین می‌شوند می‌بینند در همان زمان بهشت‌ها به زمین نزدیک می‌شوند و جهنم شعله‌ور و فروزان می‌شود.^{۲۳}

در آیه زیر رابطه بین بهشت‌ها و آسمان‌ها را بیشتر نشان می‌دهد: ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران، ۱۳۳/۳). در این آیه می‌بینیم که بهشت وسعتی به اندازه آسمان‌ها و زمین دارد. این آیه نیز خود دلیلی بر مدعای ماست زیرا می‌فرماید که وسعت بهشت معادل وسعت آسمان‌ها و زمین است که اگر این آسمان‌ها همان هفت آسمان باشند این امر منطبق بر تئوری ما است. یعنی این آیه می‌پذیرد که هفت آسمان بعلاوه زمین هشت بهشت را می‌سازند. از طرفی به قرینه آیه زیر، زمین حتماً جزئی از بهشت است پس بقیه بهشتها باید در آسمان‌هایی باشد که خداوند آن‌ها را به فاصله نزدیکی از زمین رسانده است.

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْثَقْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ (الزمر، ۷۴/۳۹). در این آیه مشخص است که بهشتیان وارث زمین شده‌اند و ضمناً خدا را شکر می‌کنند که می‌توانند در بین آسمان‌ها به راحتی حرکت کنند و در هر جای بهشت که وسعتش به اندازه آسمان‌ها و زمین است ساکن شوند.

قرینه دوم: در آیه زیر هم می‌بینیم که بین باز نشدن درهای آسمان و عدم ورود به بهشت رابطه وجود دارد از طرفی طبق آیه ۷۴ سوره زمر جهنم روی سطح کره زمین که «ارض» نامیده می‌شود نیست زیرا آن را بهشتیان به ارث برده‌اند و از طرف دیگر ابواب آسمان‌ها نیز برای آنان باز نخواهد شد. یعنی: آن‌ها برخلاف بهشتیان که ابواب آسمان‌ها و بهشت‌ها برای آنان باز است نمی‌توانند از زمین خارج شوند. از طرف دیگر بهشتیان، جهنمیان را می‌بینند و گاهی با آن‌ها حرف می‌زنند.

قرینه سوم و چهارم: در آیه زیر عمر بهشت را معادل عمر آسمان‌ها و زمین دانسته است. ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ﴾ (هود، ۱۱/۱۰۸).

همان‌طور که در قرائن قبلی دیدیم وسعت آسمان‌ها و زمین با وسعت بهشت یکسان است، از آیه فوق نیز می‌فهمیم که عمر آن‌ها نیز با عمر بهشت یکسان است و از

طرفی طبق روایات، هشت بهشت داریم و تعداد زمین و هفت آسمان نیز جمعاً هشت می‌شود و عرش خداوند نیز در آن زمان برهشت محمل حمل می‌گردد که همان طور که قبلاً در معنای عرش گفتیم محمل عرش مکان‌هایی است که خداوند در معرض موجودات حی ذی شعور قرار می‌گیرد. و طبق آیه ۱۷ سوره الحاقه محمل عرش در جهان دیگر برهشت چیز مستقر می‌گردد. با این قرائن می‌گوییم که بهشت‌ها در هفت آسمان و زمین قرار دارند.

در یکی از آیات، از زبان حضرت نوح علیه السلام از مردم می‌پرسد آیا به کیفیت خلق آسمان‌های هفتگانه طبقه طبقه نمی‌نگرید؟. دقت کنید که گفته می‌شود که به کیفیت خلق بنگرند نه به خود آسمان‌ها و چون در آن زمان و حتی اکنون کسی نمی‌توانست آسمان‌های هفتگانه را ببیند و حتی اکنون نیز با چشم غیر مسلح نمی‌توان آن‌ها را دید لذا باید آن را به «کیف» برگردانیم و چون قوم نوح با توجه به عمر طولانی‌شان و برخی تغییرات را در آسمان‌ها می‌فهمیدند و تغییرات آن را حس می‌کردند. و پس از آن به رشد نباتی انسان اشاره می‌کند تا معاد را برای انسان‌ها که بهره‌چندانی از علم نداشته و ندارند حسی تر کند. ظاهراً نگرستن به چگونگی خلقت آسمان‌ها انسان را به آنجا می‌رساند که بدانند حرکت تمامی کائنات طوری تنظیم شده است که پس از تخریب خود به خود دوباره آماده رشد مجدد انسان‌ها و جای دادن آن‌ها در بهشت و جهنم می‌گردد. پس باید درست به کیفیت ایجاد هفت آسمان بنگریم. ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا* وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا* وَاللَّهُ أُنْتَبِئُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا* ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا﴾ (نوح، ۷۱/۱۵-۱۸).

ممکن است از این آیه این طور برداشت شود که آسمان‌های هفت گانه اکنون وجود دارند و برداشت ما اشکالی وارد نمایند. اولاً؛ ما نمی‌گوییم که اکنون هفت آسمان وجود ندارد بلکه می‌گوییم مواد اولیه آن موجود است که همین سیارات منظومه هستند اما در آن زمان خداوند آن‌ها را به ترتیب درستی که برای قیامت لازم است می‌آراید. در آیات ۱۱ و ۱۲ فصلت که به تفصیل بحث شد دیدیم که فرض بر اینست که آسمان‌ها وجود دارد و خداوند به آن می‌پردازد و نظم نوینی به آن می‌دهد.

و ثانیاً؛ از طرفی یکی از معانی «طباق» در ﴿سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا﴾ «حال» است چنان که در قاموس ذیل ریشه «طبق» می‌نویسد: در مجمع فرموده: اصل طبق به معنای حال

است چنان که شاعر گفته: «اذا صفا لك من مسرورها طبق = أهدى لك الدهر من مكروهها طبقاً» چون روزگار حالی از شادی برای تو پیش آورد حال دیگری از ناپسندش ارمغانت میفرستد شاعر دیگری گفته: «أتى امرء قد حلبت الدهر اشطره = و ساقنى طبق منه الى طبق» من کسی هستم که نشیب و فرازها دیده و فقط در بعضی ایام شیر روزگار را دوشیده و از آن بهره برده‌ام. و مرا از حالی بحالی کشیده است. ^{۲۴} در قرآن نیز می بینیم که فقط یک بار دیگر این ریشه استفاده شده است که آن را تقریباً همه به معنای «حال» گرفته‌اند: ^{۲۵} ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبِقٍ﴾ (الانشقاق، ۱۹/۸۴)؛ یعنی: از حالی به حالی سوار می شوید و از نطفه به جنینی و از آن به طفولیت تا جوانی و پیری و مرگ بالا می روید تا مقدرات خداوند درباره شما به جای خویش رسند و به بهشت یا جهنم منتهی شوید. ^{۲۶}

آیا هفت زمین هم وجود دارد:

برخی مفسران به استناد آیه ۱۲ سوره طلاق که فرمود ﴿... خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ...﴾ معتقدند که علاوه بر هفت آسمان، هفت زمین هم داریم. این مفسران نتوانسته اند هیچ دلیل دیگری برای این ادعا بیاورند و حتی در همین آیه هم فرد بودن زمین روشن است. قرینه های زیادی برای فرد بودن و تک بودن زمین در آیات وجود دارد. از جمله در بسیاری از آیات از آسمان ها با کلمه جمع «سَمَاوَاتٍ» یاد شده اما «أَرْضِ» همواره مفرد به کار برده می شود.

چرا هفت بار می گویند هفت آسمان و هفت بار شش روزه خلقت را برای رسیدن به هفتمین روز بر می شمارند: در ابتدای هفته وقتی شنبه شروع می شود همه انسان ها می دانند که بلا شک روزها پشت سر هم می آیند و می روند و روز هفتم، جمعه - یا شنبه و یکشنبه در فرهنگ های دیگر - که تعطیل است و با بقیه روزها فرق می کند هم خواهد آمد. این امر برای همه انسان ها یقینی است و انسان ها طبیعتاً تمام برنامه ریزی هایشان را بر این مبنا انجام می دهند. خداوند نیز از این ذهنیت انسان ها استفاده می کند و به انسان ها این واقعیت را القا می کند که دنباله روند فعلی آفرینش به طور طبیعی و قطعی تحولات قیامت خواهد بود.

شاید سزاین که از ابتدای تاریخ بشر هفته هفت روز بوده است همین باشد. عدد هفت هیچ تناسبی با تعداد روز های ماه و سال ندارد و واقعاً معلوم نیست چرا همه انسان ها با هر دین و آیین و فرهنگی پذیرفته اند که زندگی شان را بر اساس هفته ها

برنامه ریزی کنند با این که در تعداد روزهای ماه و سال با هم اختلافاتی دارند. و شاید سزاین که در احادیثی از ائمه اطهار روزهای شش گانه خلقت به روزهای هفته تشبیه شده است همین باشد گرچه شاید به دلیل این که مسأله برای آن زمان بسیار پیچیده بوده است این احادیث به طور کامل به ما نرسیده است و یا این که ائمه نیز به تبعیت از قرآن حقایق را به صورت پراکنده در احادیث مختلف بیان کرده باشند که جا دارد محققان جداگانه به آن پردازند.

نتایج بحث:

بزرگترین نتیجه ای که از این نوع نگاه به آسمانها و زمین و زمان بندی دقیق تشکیل آنها حاصل می شود این است که جهان بینی انسان تحت تاثیر قرار می گیرد و می یابد که این جهان چگونه آغاز شده و سرنوشت محتوم آن چیست. می داند که یک نقشه راه مشخص و یک طرح جامع غیر قابل برگشت و غیر قابل تغییر برای جهان وجود دارد. انسانها همواره قیامت و حوادث آن را دور از ذهن می دانند و یا برای این که بتوانند آزادانه و بدون ملامت وجدان به هر فسق و فجوری که نفس فرمان می دهد پردازند با استبعاد می گویند روز قیامت کی می آید؟ ﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرْ أَمَامَهُ * يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ﴾ (القیامة، ۶/۷۵). اما هنگامی که بدانند برنامه ریزی دقیقی برای جهانی که در آن زندگی می کنند با زمان بندی مشخص وجود دارد که حتماً همگی در این مسیر حرکت می کنند. و این مسیر، مسیری است که از ابتدا، خلقت، بر آن اساس بنا شده است و برنامه حرکت آسمانها و زمین به سوی جهت مشخصی تنظیم شده است، کسی نمی تواند استبعادی به ذهن راه دهد یا بخواهد این مسیر محتوم را انکار کند تا راه برای فجور انسان باز شود. برنامه خلقت از روز اول که پانزده میلیارد سال پیش شروع شد و تا کنون، طبق برنامه، تا روز چهارم پیش آمده است، این برنامه مانند سایر تحولات کیهانی دقیقاً بر اساس زمان بندی از قبل تعیین شده به روز هفتم و تکمیل خلقت هفت آسمان منتهی می گردد و لاجرم مقدمات رستاخیز و تکمیل جهنم و بهشتها اتفاق خواهد افتاد. و همان طور که بار اول حیات در زمین ایجاد شد آن گاه حیات در آسمانها و زمین به شکل جدیدی احیا می گردد و همین انسانها در محیطی بزرگتر و صدها هزار برابر متنوع تر پا بر زمین و آسمانهای هفتگانه می گذارند و با شرفیابی بر

آستان او، عرش رحمان را بار دیگر متجلی می کنند. و این بار، اوست که با کمال قدرت بر عرش استیلا می یابد و مالک یوم الدین است و این بار، دیگر کسی را یارای عصیان بر بارگاه حضرتش نخواهد بود.

در نظام سیارات و ستارگان می بینیم که هرکدام از ستارگان حرکت مشخصی از ابتدا تا انتها دارند؛ به طوری که با همین علم ناقص امروزی بسیاری از تحولات آن‌ها قابل پیش بینی است. انسان اکنون می تواند تا سال های بسیار دور تحولات ستارگان و سیارت و پدیده هایی چون رویت ستاره های دنباله دار، خسوف و کسوف و... را پیش بینی کند. پس انسان‌ها به خوبی می توانند درک کنند که مسیر حرکت آسمان‌ها تغییر پذیر نیست و چنانچه علم پیشرفت کند شاید روزی بیاید که بتوان ادامه حرکت منظومه شمسی را پیش بینی کرد و در آن روز انسان‌ها با تفکر در آسمان‌ها و زمین و خلقت آن‌ها بیشتر به وجود معاد مطمئن می شوند گرچه نخواهند توانست زمان دقیق آن را پیش بینی کنند. چنان که با علم امروز ما قیامت را محتمل ترمی دانیم تا انسان‌های قرون گذشته. چنانچه این بحث را بیشتر بشکافیم می توان مفاهیم دیگری از قرآن را نیز بهتر فهمید مفاهیمی چون حوادث ذکر شده برای آسمان‌ها و زمین در آستانه نفخ صور اول و دوم، معنای «امر» «یوم» و «ایام»، «پنجاه هزار سال»، «نحوه زندگی بهشتیان در بهشت و حرکت آن‌ها در فضای بین بهشت‌ها»، «جهنم و جایگاه آن»، «وجود یا عدم وجود بهشت و جهنم در حال حاضر» و «دوروزه بودن دوران های سه گانه».

۵. محاسن التأویل، ۲۶۴/۹ به نقل از أبو جبر در

التفسیر العلمی فی المیزان/ ۳۸۰.

۶. التفسیر العلمی فی المیزان/ ۳۸۳.

۷. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی «بی آزار شیرازی»

۱۴۵ و ۱۶۷.

۸. تفسیر الجواهر «طنطاوی»، ۴۶/۱.

۹. المیزان، ۲۴۸/۱۶، و: ۳۲۷/۱۹.

۱۰. رازهای آسمان هفتگانه «مرادی»/ ۸۴.

۱. رجوع کنید به آیات آل عمران ۱۹۰ تا ۱۹۴.

۲. رسائل «ابن سینا» ۱۲۸-۱۲۹؛ به نقل از التفسیر

و المفسرون، ۴۲۶/۲؛ التفسیر الکبیر «فخر

رازی»، ۱۵۶/۱؛ بحار الأنوار، ۵/۵۷؛ شرح

منظومه سبزواری «قسمت فلسفه» ۲۶۹.

۳. هفت آسمان «یهودی»/ ۸.

۴. همان/ ۱۰؛ زمین و آسمان و ستارگان از نظر

قرآن «صادقی»/ ۲۲۹.

۱۱. تفسیر نمونه، ۲۴/۲۶۱.

۱۲. هفت آسمان «بهبودی» ۱۳/.

۱۳. مجمع البیان، ذیل آیه ۱۴۱ سوره انعام.

۱۴. بحار الأنوار، ۵۵/۳۵.

۱۵. ﴿أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَ فَلَا يُؤْمِنُونَ﴾ (الأنبياء، ۲۱/۳۰)

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ (النور، ۲۴/۴۵)

۱۶. آیات زیر نشان می دهند که اجل مسمی آسمان ها و زمین چه زمانی هستند.

﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُتُّدِرُوا مُّعْرِضُونَ﴾ (الأحقاف، ۴۶/۳)

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ (الأنعام، ۶/۷۳).

﴿وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْصَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ (الحجر، ۱۵/۸۵).

در آیات بالا قسمت های ابتدایی آیات شبیه هم هستند و مضمون قسمت های دوم نیز نزدیک به هم است و در دو آیه به قیامت اشاره می کند پس نتیجه می گیریم که اجل مسمی آسمان ها و زمین همان روز نفع صور اول است. آن ها با نفع ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ (الأنعام، ۶/۷۳).

﴿وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْصَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ (الحجر، ۱۵/۸۵).

در آیات بالا قسمت های ابتدایی آیات شبیه هم

هستند و مضمون قسمت های دوم نیز نزدیک

به هم است و در دو آیه به قیامت اشاره می کند

پس نتیجه می گیریم که اجل مسمی آسمان ها و

زمین همان روز نفع صور اول است. آن ها با نفع

صور اول به هم می ریزند و خداوند در دوره هایی

شروع به بازسازی آن ها می کند. این ادعا را در

قسمت های بعدی است. آن ها با نفع صور

اول به هم می ریزند و خداوند در دوره هایی شروع

به بازسازی آن ها می کند. این ادعا را در قسمت

های بعدی اثبات می کنیم. پس استوای اول بر

عرش قبل از فرا رسیدن اجل آسمان ها و زمین و

در زمانی است که ما در زمین زندگی می کنیم.

۱۷. برای این ادعا که ما در کجای این شش روز

زندگی می کنیم در ادامه استدلالی می آید.

۱۸. برای آگاهی از نظریات گوناگون به کتب تفسیری

ذیل همین آیه مراجعه شود.

۱۹. تفسیر نمونه، ۱/۱۶۴ «ذیل همین آیه».

۲۰. در معنای «یوم» در قاموس قرآن می گوید:

از طلوع فجر تا غروب آفتاب. و نیز مدتی از زمان

و وقت را یوم گویند. چنان که راغب و دیگران

گفته اند در نهج البلاغه حکمت ۳۹۶، فرموده:

«الدهريوما يوم لك و يوم عليك» دنیا دوروز

است روزی به خیرتو و روزی بر علیه تو». مراد

از یوم وقت و زمان است. «ماليك يوم الدين»

(الفاحة، ۱/۴). مراد از یوم چنان که می دانیم

وقت و زمان است، «قال كم ليئت قال ليئت

يؤما أو بعض يوم» (البقرة، ۲/۲۵۹). روز در این

آیه همان روز معمولی مقابل شب است. البته در

«بعض يوم»...

«اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم

نعمتي» (المائدة، ۵/۳). الف و لام در «اليوم»

برای حضور است یعنی: «امروز دینتان را کامل

کردم دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام

نمودم».

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾ (یونس، ۳/۱۰).

در «سما» و «ارض» گذشت که مراد از ایام در این آیه و نظائر آن مطلق زمان و دوران است یعنی آسمانها و زمین را خداوند در شش زمان و شش وقت آفرید، شاید هریک میلیونها سال طول کشیده باشد.

۲۱. قاموس قرآن، ۴ / ۲۵۷.

۲۲. کشط: برداشتن چیزی از روی چیزی که آنرا پوشانده است. برداشتن پرده از روی چیزی کردن پوست شتر. «قاموس قرآن، ۶ / ۱۱۱»

۲۳. در آیات: ۹۰: سوره شعراء و ۳۱: سوره ق نیز به این نکته اشاره شده است.

۲۴. قاموس قرآن، ۴ / ۲۰۶ ذیل ریشه «طبق».

۲۵. در همین مضمون است آیات: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ. ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ. ثُمَّ

إِنَّا نَكْتُمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَبَعْتُونَ﴾ (المؤمنون، ۲۳/۱۲-۱۶).
همین طور است آیه ۵ از سوره حج و سایر آیات. «ترکبن» و «عن» در آیه نشان دهنده آن است که هر حال قبلی پائین تر از حال بعدی است. ۲۳. در آیات: ۹۰: سوره شعراء و ۳۱: سوره ق نیز به این نکته اشاره شده است.

۲۴. قاموس قرآن، ۴ / ۲۰۶ ذیل ریشه «طبق».

۲۵. در همین مضمون است آیات: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ. ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ. ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَبَعْتُونَ﴾ (المؤمنون، ۲۳/۱۲-۱۶).

همین طور است آیه ۵ از سوره حج و سایر آیات. «ترکبن» و «عن» در آیه نشان دهنده آن است که هر حال قبلی پائین تر از حال بعدی است. «قاموس قرآن، ۴ / ۲۰۶-۲۰۷».

۲۶. اکثر مفسرین «طباقا» را به معنای طبقات روی هم معنی کرده اند که اگر هم به این معنا بگیریم به تنوری ما خللی وارد نمی کند.